

□ دو نیمه در بهشت

گوشه و کنار اتفاقات

امیر پوریا

۱- بین من که دارم حدود هشت ساعت مانده به بازی ایران و پرتغال این یادداشت ها را می نویسم و شما که دیشب این بازی را دیده اید، تفاوت بسیاری هست. مهمترینش این که قاعدتاً شما الان حوصله خواندن مطلب فوتبالی با موضوعی به غیر از این مسابقه را ندارید و من به دلیل فاصله زمانی، ناگزیرم به نکات دیگری اشاره کنم و در ستون فردا به بازی تیم خودمان بپردازم. رسم و ضرورت ستون نویسی سر موقع همین است دیگر.
کاریش نمی شود کرد.

۲- این ماجرای حضور علی کریمی در بالاترین رده احتمال آقای گلی جام جهانی در پیش بینی بازی‌کنندگان سایت فیفا را که حتماً خوانده یا شنیده اید. از همان لحظه اول که قضیه به گوشم خورد، در اصالت و صحتش شک کردم. آخر رای دهندگان چند کشور دنیا کریمی را می شناسند که بخوانند به عنوان بازیکن برخوردار از شانس زدن بیشترین تعداد گل در جام، به او فکر کنند؟ مگر او را در بایرن مونیخ به عنوان یک گلزن شناخته اند که بخوانند چنین احتمالی بدهند؟ مگر کسی به بردهای پرگل ایران در مرحله اول یا حضورش در هفت بازی تا مرحله نهایی امید داشته که امکان زیاد گل زدن یکی از بازیکنانش را تا این حد شدنی بداند؟ شوخی اولیه همه این بود که کار، «کار «ایرونی ها»ست و بعدتر هم همین احتمال تقویت شد و قطعیت پیدا کرد: لینک مشخصی با عنوان «به علی کریمی رای بدهید» به زبان انگلیسی در قالب یک offline message پیام رسان پاهو به انبوهی و برگرد ایرانی فوروارد شد و از جمله به بنده هم رسید و قضیه رو شد: این احتمالی نیست که نظر واقعی کاربارن اینترنتی و بازدیدکنندگان سایت جام را در همه جای دنیا نشان بدهد؛ بلکه نتیجه مستقیم رای دادن انبوهی ایرانی به کریمی است. ولی حالا چرا کریمی؟ آنهايي که این بازی را به راه انداختند، چرا او را از بین بقیه بازیکنان تیم انتخاب کردند؟ مگر واقعاً کریمی بهترین آمار گلزنی را در بین هافبک های نفوذی و فورواردهای ایرانی دارد که اسم و احتمال آقای گلی او را علم کرده اند؟ نه خیر؛ قضیه ساده تر از چنین آمار و احتمالاتی است: این فقط محبوبیت او و افت شدید محبوبیت علی دایی را در بین مردم اهل فوتبال در کشور نشان می دهد. آنها به سراغ کریمی رفته اند؛ چون امکانی برای طرح یک مهاجم نوک به عنوان دارنده شرایط بالاترین میزان گلزنی برای تیم نداشته اند یا اگر عقل و ساقیه در ابتدای جام به آدم می گفت که چنین احتمالی در محصور دایی بیشتر است، دوست نداشته اند او را مخصوص کنند. می بینید از چه گوشه و کنارهایی معلوم می شود که واکنش مردمی چیست و چه سمت و سویی دارد؟

۳- در خبرها آمد که تندیس ویژه‌ای تحت عنوان «تندیس صلح» را که کار خلاقه هنرمندان ایرانی است، بابت همسویی با شعار ایران در جام جهانی ۲۰۰۶ یعنی عبارت «صلح برای همه برپایه عدالت و معنویت» که در بین شعارهای همه کشورهای حاضر در جام، یکی از طولانی ترین ها است، در روزهای برپایی جام به آلمان برده اند. نقش سپیدرنگی که شکل اصلی این تندیس را تشکیل می دهد، واژه صلح را به زبان فارسی تصویر کرده است.

۴- شبکه سه تلویزیون که دارد مسابقات جام را به طور زنده و با استانداردهای قابل توجهی پخش می کند، در مورد تنوع گزارشگران و ضرورت آن دچار اشتباهات اساسی شده که رفته رفته و در صورت تداوم در مراحل حذفی، می تواند به نکته عذاب آوری بدل شود. وقتی گزارشگری به روشنی در سطح بسیار پایین تری از بقیه حرف می زند، چرا باید بابت پرهیز از تکرار گزارشگران بازی ها در روزهای متوالی، به او بازی داد و پای لحن کسالت بارش نشست و اشتباهاتش را شنید؟ گزارشگری که ظاهراً سن و سال بیشتر یا مثلاً سابقه فوتبالیست بودنش باعث تداوم و تکرار حضورش در گزارش بازی های جام شده، دارد مسابقات را با همان بیان یکنواخت و لحن آرام مسابقات غیرزنده لیگ های اروپایی گزارش می کند؛ به همان کم رمقی و با همان بی حس و حالی. در گزارش بازی جذاب و سریع تونس و عربستان، همان کندی و آرامش شبیه بازی های غیرزنده را در صدایش حفظ می کند و مربی فرانسوی معروف تونس را به جای روزه لمه، ده بار به نام «الور» می خواند! یعنی او حتی یک مجله و ورزش و یکی از این همه ویژه نامه های طاق و جفت جام جهانی را هم ورق نزده که اسم لمه را ببیند؟ یعنی حتی بازی های جام قبلی را تماشا نکرده که بشود نام مربی آن سال فرانسه، لمه بوده و آن آخر اسامی فرانسوی خواننده نمی شود؛ در دقایق آخر مسابقه مکزیک و انگولا، برای تأکید بر یک طرفه شدن بازی به سود مکزیک، بارها از کلمه عامیانه و نامعمول «یک گله» استفاده می کنند؛ تا حدی که ببیننده تلویزیونی به شک می افتد که نکند تیمی یک گل زده و او چند دقیقه خوابش برده و «یک گل» مورد نظر گزارشگر را ندیده؟ تحمل فعل عجیب و من درآوردی او یعنی «گل تثبیت کرد» که بدون اشتنا در گزارش لحظه به ثمر رسیدن هر گلی به جای فعل «گل زدن» به کار می برد، در بازی های حذفی واقعاً دشوار خواهد بود. خودمانیم، اگر هر دو بازی هر یک از روزهای یک هشتم و یک چهارم را بدون ایجاد تغییر، عادل فردوسی پور از آلمان و مهدی میرزایی از استودیوی شبکه گزارش کنند، کسی نیازاز بی تنوع گزارشگران احساس می کند؟ بعید می دانم. این از آن مواردی است که بی تعارف، باید لذت و پسند و هیجان و رضایت انبوه چندده میلیونی بینندگان مسابقات جام را به راضی نگه داشتن و دلخور نشدن این رفیق و آن گزارشگر ترجیح داد. عذاب چندین میلیون نفر برای جلوگیری از زنجیدن یکی دو گزارشگر، خیلی عجیب به نظر می رسد.

وصال روحانی: چه کسی جلودار آرژانتین است؟ این سئوالی است که بعد از پیروزی ۰ - ۶ عصر جمعه تیم ملی فوتبال این کشور در برابر صربستان در گروه سوم جام جهانی ۲۰۰۶ بر هر زبانی جاری است.

با این حال شکی نیست که ضعف چشمگیر صربستان از دلایل اصلی ثبت این نتیجه بود و هر چقدر که بازی روان و حرکات عالی یاران ریکلمه تماشاگران را سحر کرد، تسلیم بودن مردان ایلپا پتکوویچ هم در عین این قضیه دست داشت. در عین حال هنر آرژانتینی ها که از همان دقایق نخست به جریان افتاد صحنه های بسیار زیبایی را خلق کرد و از آنان یک مدعی جدی برای فتح جام ساخت و در حالی که به جز اسپانیا سایر بزرگان در ۸ روز نخست جام کنار فوق العاده ای را صورت نداده بودند، آرژانتین سنگ تمام گذاشت.

گلزنان آرژانتین، ماکسی رودریگز (۲ گل)، استبان کامبیاسو، هرنان کرسپو، کارلوس ترزو و لیونل مسی بودند، اما به دشواری می شد یکی را بر دیگری ارجح شمرد. از یک سو خوان رومن ریکلمه با قرار داشتن در متن تمامی حرکات موثر و «منجر به گل» تیشش عنوان ستاره مسابقه را مال خود کرد و از جانب دیگر کامبیاسو، ماسکرانو، و سورین نیز چنان فنی و موثر به بازی پرداختند که به هیچ روی نمی شد چشم بر مهارت آنان بست. ماکسی رودریگز که گل های اول و سوم آرژانتین را زد و سپس در دقیقه ۷۴ جایش را به مسی داد، می گفت: «واقعاً نمایش فوق العاده ای بود. چیزی فراتر از توصیف و مسئله ای که خودمان نیز انتظار آن را نداشتیم.»

آرژانتین با این برد ۶ امتیازی شد و این پیروزی را ضمیمه برد ۲-۱ دور نخست در برابر ساحل عاج کرد و صعودش را به مرحله بعدی مسجل ساخت. در حالی که حذف صربستان با این باخت قطعی شد، ناظران از حالا از خود می پرسند که سقف صعود و موفقیت های آرژانتین در این جام به کدام حد و اندازه خواهد رسید. کامبیاسو که گل دوم تیم خوزه پکرن را در دای پی سری پاسکاری طولانی و عالی بین یارانش در دروازه صربستان جای داد، می گوید: «ما در یک گروه سخت قرار داریم، اما دیدید که چطور به آنچه می خواستیم، رسیدیم. این تیم هم فنی و هم محکم است و از اعتماد به نفس لازم هم بهره می برد. فکر می کنم بهتر از این برای ما غیرممکن باشد.» در حضور «دیه گو مارادونا»ی معروف که بر روی سکوها نشسته بود و برای هوموطنانش و مردان داخل میدان دست تکان می داد و پیراهن تیم ملی کشورش را در

کراوج در نوار گلزنی



پیتر کراوج با به ثمر رساندن گل طلایی و حیاتی اش برای انگلستان کمی توانست نگاه مثبت نویسندگان و مفسران فوتبال این کشور را معطوف خویش کند. پیتر کراوج پس از پیروزی کشورش در برابر رقیبی بسیار سختکوش چون ترینیداد و توباگو می گوید: «مهمترین نکته ای که می شود از بازی ما در برابر ترینیداد برداشت کرد، روحیه و پشتکار والای ما در راه نتیجه گیری بود. تا آخرین دقایق بازی به تلاش و کوششمان ادامه دادیم و این بسیار ارزشمند بود. سوئد در برابر ترینیداد، در برابر مجموعه ای قرار گرفته بود که تا آخرین لحظه می جنگد و دست از مبارزه نمی کشد. آنها از قضا در برابر ما نیز نمایشگر چنین خصیصه ای بودند اما خوشبختانه موفق شدیم در انتها خط دفاعی آنها را مغلوب کنیم و زهرمان را به آنان وارد کنیم.» مهاجم ۹۷ سانتی متری سابق تانانهام و ساوتهمپتون در خصوص حریف احتمالی کشورش در مرحله یک شانزدهم نهایی جام می گوید: «فرقی نمی کند که رقیب بعدی ما در آن مرحله آلمان باشد یا اکوادور. حالا مهمترین هدف برای ما شکست دادن سوئد و تصاحب ۹ امتیاز کامل است. چنین دستاوردی و این امتیاز کامل برای بازیکنان ما بسیار غرورانگیز است. اگر توانیم چنین کنیم، آنگاه دیگر فرقی می کند که حریف بعدی مان آلمان است یا اکوادور؟! چون که نشان می دهیم که برای مغلوب کردن هر تیمی توانا هستیم.»

پیتر کراوج در خصوص نوار گلزنی اش که این روزها حالتی منظم به خود گرفته، می گوید: «از بازی اخیر موفق شده ام ۶ بار دروازه حریفان را باز کنم که این سبب مسرت و شادی من شده است. وقتی در تیمان بازیکنان خلاق و بزرگی دارید، هر لحظه می توانید برای خود موقعیت گلزنی ایجاد کنید. خوشبختانه ما در سمت راست بکام را داریم که ساترهاش فوق العاده است و برای مهاجمی چون من ایده آل.»

ورزشی

چه کسی جلودار آرژانتین است

مارادونا: این تیم قهرمان می شود



دست داشت، ملی پوشان آرژانتین تمام دلایل لازم را برای شادی هواداران خود فراهم آوردند. همین مسئله و گل های زیبایی که مردان پکرن به ثبت رساندند، باعث شد مارادونا بگوید: «ما باز هم قهرمان جهان می شویم، درست مثل سال ۸۶.»

■ سال مارادونا

سال مورد بحث سالی است که آرژانتین با درخشش خیره کننده «کاپیتان مارادونا» و در حالی که وی در اوج نشاط و کارایی اش قرار داشت، جام جهانی را در خاک مکزیک برای دومین بار فتح کرد و اگر بگوییم آن جام یک تنه توسط «مارادونا»ی چپ پا و خلاق فتح شد، حرفی به گراف نگفته ایم.

براساس نمایش عصر جمعه در ورزشگاه گلزن کرشن آلمان باور ادعای مارادونا چندان سخت نمی نماید. تئو ۲۲ ساله و چپ پا که گل اش را با پای راست و پس از دریل زدن دو مدافع تبل صربستان به ثمر رساند، می گوید فراتر از نمایش های فردی او و یارانش تخصصی که در کارهای فنی و دریل زدن و مانورهای انفرادی دارند این روح تیمی و سنجش صحیح امور و اتفاقات در تمام گستره زمین بود که این پیروزی فوق العاده را برای آرژانتینی ها رقم زده است. «ببینید، هر کار که ما می کنیم در ارتباط با یکدیگر و برای یاران کناری مان است، حتی اگر به نظر برسد که با یک کار فردی صورت پذیرفته است.» مسی ۱۹ ساله و چپ پا و بارسولنیایی که در اکثر ماه های اخیر مضموم و ناپیدا بوده است، سرانجام از دقیقه ۷۴ به جای ماکسی رودریگز به میدان آمد و در

ویژه جام جهانی ۲۰۰۶

استحکامی نداشت و ایراد و نقصان از در و دیوار آن می بارید و بنابراین جای تعجبی نداشت که یاران آلیا

و ماسکرانو بدان گونه در آن مانور و در قلب آن حرکت می کردند در نهایت خود مسی به روند گلزنی در این روز خاتمه بخشید و گل ششم آرژانتین را با یک شوت دقیق پای راست در پی پاس عمقی یارانش به ثمر رساند و این در حالی است که او هم مثل تهو زصولاً و ذاتا یک چپ پا است و کمتر توانسته با پای راستش کارهای مهمی را صورت دهد.

■ حقیقت چیست؟

در عین حال و به رغم تمام محسنتات فوق و تعریف های که به واقع سزاوار آرژانتینی ها است، کمتر می توان در مورد آینده آنان به طور قطعی اظهارنظر کرد و به صراحت گفت که به چه رتبه ای خواهند رسید. اینکه در هنگامه نمایش های متوسط و در روزهای عدم درخشش سایر مدعیان، آرژانتین بدین گونه یک حریف نامدار را خرد می کند، قطعاً نشانگر ارزش های این تیم

است و به لحاظ فنی آنان واقعاً در سطح بالایی هستند و تیمی که می تواند امثال ایمار، کروز، کولچینی، پالاسیو و میلیتو را روی نیمکت بنشانند و بدون حتی یک دقیقه استفاده از آنها ۶ گل به صربستان بزند، قطعاً مهارت های خود را نشان می دهد و از جام جهانی میدانی دشوار و تورنمنتی پس طولانی است و خیلی ها ترجیح می دهند که طی زمان برگزاری یک تورنمنت به تدریج آب و بگیرند و در همان اوایل رقابت ها زیر همیشه این خطر وجود دارد که «روز نزول» و «نمایش بد» این گونه تیم ها مقارن با مرحله حذفی جام شود و در آن صورت دیگر فرصتی برای جبران باقی نخواهد بود حال آنکه هر لغزشی از این دست اگر در مرحله گروهی تحقق یابد فرصت برای تلاقی وجود خواهد داشت.

از دومین (و آخرین) قهرمانی آرژانتین در جام های جهانی ۲۰ سال می گذرد، اما اگر پیش بینی مارادونا و شماری قابل توجه از یاران و همکراوان او درست از آب درآید و آرژانتین برای سومین مرتبه قهرمان شود، آنگاه می توان اعتراف کرد که این تیم با بهره جستن از شماری از مستعدترین فوتبالیست های جوان دوران به این توفیق رسیده است.

تیمی که می تواند امثال زانتی، ورون، سولاری، ساموئل و لوپز را به کلی انتخاب نکند و چشم به دی الساندرو نیز ببندد و بر پایه حضور امثال «کاپیتان سورین»، ماسکرانو و البته ریکلمه و کرسپو و مسی کمبودی در راه کسب قهرمانی حس نکند.

فرار بزرگ



هلند گرجه- دوباره- عملکرد دلچسپی در دومین نبردش در برابر ساحل عاج ارائه نداد، اما با پیروزی نزدیک و حساسی که کسب کرد عملاً خود را به عنوان یکی از تیم های حاضر در مرحله بعدی جام معرفی کرد. در این قاب، بی شک مردی که بیش از هر کسی احساس رضایت و شادمانی می کند، ماسکرانو است. سارکل فان باستن گلزن افسانه ای میلان و لاله ها در خصوص این نتیجه می گوید: «چنین موفقیتی، برای تیم جوان و کم تجربه ای بسان ما حقیقتاً ارزشمند است. بسیاری از بازیکنان اصلی ما، برای اولین بار بود که در جام جهانی شرکت می کردند. پس باید به آنها حق داد که آنگونه پس از مسجل شدن صعودشان از چنین گروه دشواری، جشن بگیرند و آواز سر دهند. من از اینکه در برابر ساحل عاج گل دوم را پذیرفتم احساس غرور می کنم. حال هدف و وظیفه ما این است که در مسابقه سوم در برابر آرژانتین با حداکثر توان ظاهر شویم، و با یک پیروزی دیگر خود را در صدر گروه جای دهیم. قرار گرفتن در رتبه اول می تواند سبب افزایش روحیه ما شود. ماسکرانو در ۱۵ دقیقه پایانی مسابقه نیز در کل دقایق وقت دوم مسابقه ما را تحت فشار قرار داد. این تیم نیز آنگونه آرژانتین را اسیر خود لاله ها، بی شک، و روبین فان پرسی بود. مهاجم مستعد آرسنال که در پیروزی تیش نقش اشکارنشدنی ایفا کرد می گوید: «واقعاً توانم توام جو و شرایط هیجان انگیز امروز را توصیف کنم. اوضاع ما کاملاً بهبود یافته، و این فوق العاده مسرت بخش است.» زننده نخستین گل هلند در برابر ساحل عاج می افزاید: «ما عملکرد خوبی داشتیم. در کنار آن نیز واقعاً تلاش و سختکوشی ملموسی از خود بروز دادیم. امروز «این» هلند شایسته تقدیر و تحسین بود.»

یکشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۵

نگاه □

قدم زدن در میدان بازی

*دکتر یوسف مولایی**

شکست تیم فوتبال ایران از تیم فوتبال مکزیک شرایطی فراهم آورد تا آفت های فرهنگی و بیماری های تاریخی بار دیگر مورد توجه قرار گیرد.

صدور حکم محکومیت علیه علی دایی به عنوان تنها عامل شکست تیم ملی از طریق محاکم سیار، تاکسی، اتوبوس و کوچه و خیابان و محاکم اختصاصی منازل و محافل، شکل گیری یک اجتماع تقریباً ملی مبنی بر اینکه تیم ملی دهنده به مضاف حریف رفت مرابر آن داشت که به عنوان وکیل تسخیری آقای دایی دفاعیه ای از جانب ایشان تهیه و تقدیم محاکم خودجوش داخلی نمایم. نادیده گرفتن اصل برائت، سلب حق دفاع از متهم و صدور حکم بدون بررسی دلایل و دفاعیات متهم از جمله آفت های فرهنگی است که در محاکمه غیابی آقای دایی عرض اندام می کند. داوری شنایزده و غیرکارشناسانه نیز اعتبار حکم صادره علیه ایشان را زیر سوال می برد. عدم توجه به تلاش های قابل تقدیر آقای دایی در فوتبال ایران و نادیده گرفتن سهم بازیکنان دیگر و نقش معاونان و شرکای جرم شکست تیم ملی و ساده دیدن مسائل پیچیده که از جمله آفت های فرهنگی ماست وزن حکم صادره را کاهش می دهد.

تحسین شدید آقای دایی در گذشته و حمله شدید به نحوه حضور وی در بازی با مکزیک هر دو جلوه ای از افراطی گری در فرهنگ بومی ماست که داوری را از اعتدال و بی طرفی خارج می کند. از این جهت نیز رای صادره قابل ایراد است. توقع آرمانی و غیرواقع بینانه از توان و قدرت تیم ملی در مقابل تیم های دیگر و انتظار پیروزی کم هزینه بدون تدارک مقدمات و سرمایه گذاری مناسب در بررسی علت شکست تیم ملی منظور نشده و از این جهت هم حکم صادره علیه موکل خالی از ایراد نیست. علاوه بر این ایشان با حسن نیت تمام به دنبال شکستن رکورد جدید در گلزنی در جام جهانی بود و از این رو عنصر معنوی جرم شکست مفقود است و موکل می تواند از بابت سهولت بقیه بازیکنان در فراهم نکردن موقعیت گلزنی برای وی شکایت نماید. از آنجایی که اتهام اصلی موکل قدم زدن در میدان بازی به قصد برهم زدن تمرکز حریف و به خصوص دروازه بان بوده و هیچ مانعی برای ورود شوت بازیکنان تیم ملی به دروازه حریف به عمل نیاورده است، عملیها عنصر مدای جرم نیز مفقود است و علاوه بر این موکل درخواست و توصیه سرمربی را به کار گرفته و مسئولیت رفتار موکل به عهده سرمربی بوده است و از این بابت نیز آقای دایی از اتهام وارده مبری است. مهمترین مسئله ای که در دفاع از آقای دایی می بایستی مورد توجه قرار گیرد توجه به آفت های فرهنگی است که در شکل گیری رفتارهای نامتش اصلی را ایفا می کند. مسئله اصلی که از دید داوری عموم دور مانده و با کمتر به آن توجه شده است، این است که چنانچه هرکدام از ما در موقعیت دایی بودیم احتمالاً گرفتار همان آفت خودخواهی، غرور، مسئولیت گریزی و خودبزرگ بینی می شدیم که دامن علی دایی را گرفت. بسیاری از ما سال هااست که در میدان مسئولیت را کم خود فقط قدم می زیم و در پروسه تولید و توسعه مسئولیت نقش قابل توجهی نداریم. اگر پدیده دایی یک امر استثنایی در کشور ما بود در آن صورت ما می بایستی شاهد وضعیت مطلوبی در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ورزشی می بودیم. شاید عضویتان ما از علی دایی از این بابت است که آیینته او در مقابل ما قرار داد و آن آیینته ما بار دیگر عیب های خود را مشاهده کردیم. اگر در کنار آقای دایی شمامت محاکمه و داوری نسبت به رفتارهای اجتماعی خود را داشته باشیم در آن صورت در جام جهانی بعدی وضعیت بهتری خواهیم داشت.

□**حقوقدان و وکیل دادگستری**

متن حاشیه □

توریت با دوربین

بازیکنان و همراهان تیم ایران وقتی وارد استادیوم فرانکفورت شدند تا تمرین رسمی خود را پیش از بازی با پرتغال انجام دهند، قبل از هر چیز به سقف عظیم استادیوم سرپوشیده خیره می شدند! گرچه کریمی، مهدوی کیا، هاشمیان و زندی با سقف نوسازی شده این ورزشگاه آشنا بودند، اما بقیه نمی توانستند نگاه مبهور خود را به آسانی پنهان کنند. حتی حسین فرکی دستیار برانکو دوربین خود را بیرون آورد و عکسی از نمای استادیوم گرفت. هر چند ورزشگاه ۴۳ هزار نفری فرانکفورت که ۱۲۶ میلیون دلار برای آن سرمایه گذاری شده خیره کننده است، اما انگار روزهایی که میریان ایران می گفتند «ما مثل توریست به جام جهانی نمی رویم» به پیش از شکست مقابل مکزیک مربوط می شد. جمعه چهوه حسین فرکی با دوربین عکاسی اش، بیش از هر چیز به توریست ها شباهت داشت!

رسانه هایی که کنجکار بودند بلداند برانکو ایوانکوویچ تیم شکست خورده خود را برای بازی با پرتغال چگونو بازسازی می کند، جلسه تمرین رسمی ایران در ورزشگاه فرانکفورت از چنین ترس خالی ترک کرد. در حالی که قرار بود پانزده دقیقه پایانی تمرین برای ایران پیش چشم خبرنگاران برگزار شود، اما این برنامه ناگهان تغییر کرد تا خبرنگاران فقط در پانزده دقیقه اولیه تمرین حضور داشته باشند؛ یعنی زمانی که بازیکنان صرماً به گرم کردن بدن خود می پرداختند. درست پس از آنکه مسئولان ورزشگاه فرانکفورت بازیکنان راخبره و به بیرون از زمین هدایت کردند؛ کادر فنی ملی آماده شد تا کاورهای زرد و سبز را میان بازیکنان اصلی و ذخیره تقسیم کند و برنامه اصلی تمرین را در پیش بگیرند. اما فرصتی کوتاه هم برای یک خبرنگار کنجکار ایرانی کافی بود تا نگاهی به عقب بیندازد و فریدون زندی را ببیند که کاور سبزرنگ در ریافت می کند؛ پوششی که معمولاً به بازیکنان بازیکنان و به مردم ایران اختصاص داده می شود. تنها جلسه تمرینی ایران نبود که پشت درهای بسته برگزار شد. نشست مطبوعاتی برانکو هم دست کمی از تمرینش نداشت. رانکو با پاسخ های مبهم و سرسبه اش نشان داد که قصد ندارد دری را به روی خبرنگاران بگشاید. گرچه او در مقابل عادل فردوسی پور لبخندزنان به گفت وگویی زنده تلویزیونی پرداخت، اما آنکارا حوصله جلد درباره تغییر تصمیمش درباره دایی را نداشت.